



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

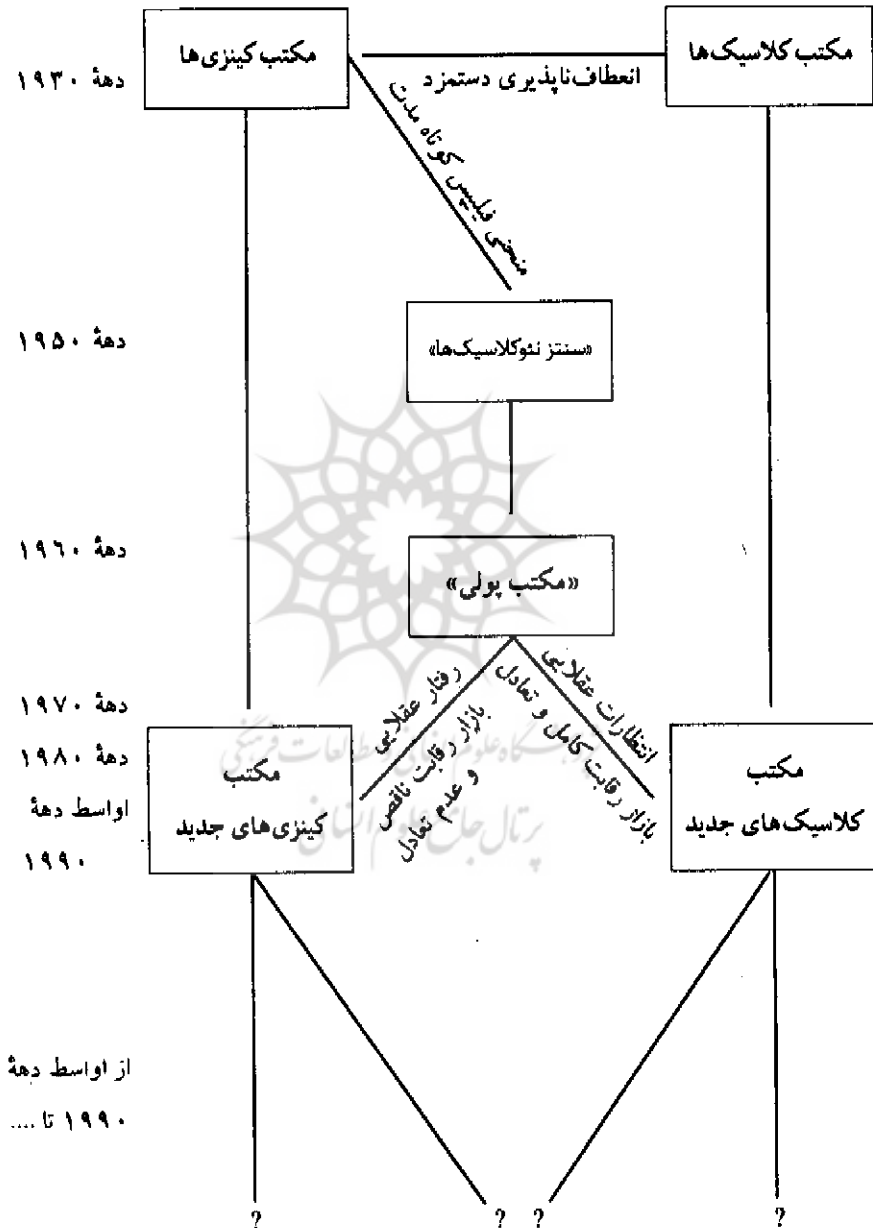


شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شکل ۱- نمودار چگونگی شکل‌گیری دو مکتب جدید اقتصاد کلان



اکنون که در اواخر دهه ۱۹۹۰ قرار داریم هر یک از دو مکتب جدید سعی می‌کنند تا به کمک شواهد تجربی و قضاوت اقتصاددانان کلان کاربردی، حمایت‌های لازم را برای فروض و نظریات خود کسب نمایند. با وجود آن که هر دو مکتب معتقدند شرط لازم برای قبول یک نظریه قدرت پیش‌بینی تجربی صحیح و دقیق می‌باشد، طرفداران این دو مکتب بر این باورند که شرط کافی برای قبول نظریه قدرت استحکام پایه‌های اقتصاد خرد آن می‌باشد.^{۳۶} آنچه در اینجا می‌توان گفت این است که شواهد کنونی در دنیای واقعی نشان می‌دهد که بازارها وجود دارند ولی این بازارها به هیچ وجه کامل نیستند. علاوه بر این، در زمینه انعطاف‌ناپذیری قیمت‌ها و دستمزدها نیز شواهد قابل توجهی در دنیای فعلی مشاهده می‌شود که آن را تأیید می‌کند. به قول کریستوفر سیمس^{۳۷} هر کس که از طریق کاتالوگی اقدام به خرید کالاهایی کرده باشد و یا در کمیته تعیین دستمزد دانشکده‌ای در دانشگاه خدمت کرده باشد! می‌داند که دنیا پر از انعطاف‌ناپذیری قیمت و توهم پولی است. با وجود این تجربه نیز نشان داده است که مزدها در شرایط وجود بیکاری زیاد، با کاهش مواجه می‌شوند.

در پاسخ به این سؤال که در شرایط بیکاری دولت چه کار می‌تواند انجام دهد، موفقیت نظریه کینزی‌ها در این بوده است که اعلام نمایند دولت از طریق افزایش مخارج خود می‌تواند بیکاری را کاهش دهد. در مقابل، موفقیت نظریه کلاسیک‌های جدید در این مورد این است که دولت نباید هیچ کاری انجام دهد. شواهد دنیای واقعی لاقلاً نشان می‌دهد که دولت می‌تواند نتیجه را تحت تأثیر قرار دهد. بیکاری در حقیقت بدترین نوع شکست بازار است که به دلیل وجود اطلاعات ناقص و بازارهای ناقص به وجود می‌آید. ما در دنیای با اطلاعات ناقص زندگی می‌کنیم و باید بیاموزیم تا با این نواقص زندگی کنیم. مداخله محدود دولت به منظور مقابله با بیکاری در نهایت می‌تواند کارایی اقتصاد بازار را بهبود بخشد.

بنابراین، با توجه به توضیحات فوق به نظر می‌رسد که مکتب کینزی‌های جدید شانس بیشتری دارد تا بتواند بار دیگر نقش مسلط خود را در اقتصاد کلان به دست آورد. برای این منظور لازم است این نکته نیز مد نظر طرفداران آنها قرار گیرد که افراد نمی‌توانند آینده را دقیقاً پیش‌بینی نموده و همچنین آنها از شرایط علمی بالایی برخوردار نیستند تا بتوانند در عمل رفتار عقلایی و یا انتظارات عقلایی نسبت به آینده داشته باشند.^{۳۸} لذا پیش‌بینی می‌شود تحولات آینده در مکتب‌های اقتصاد کلان در جهت کاهش نقش مفهوم «عقلایی» حرکت نماید. به هر حال، آنچه می‌توان گفت این است که اقتصاد کلان اکنون دوره بسیار جالب و پرهیجان ولی مبهم را سپری می‌کند.^{۳۹} آنچه که تاکنون مشخص شده است، این است که هنوز

شواهد تجربی نتوانسته‌اند از الگوهای موردنظر دو مکتب کلاسیک‌های جدید و کینزی‌های جدید حمایت نمایند.^{۴۰} بنابراین، در پاسخ به این سؤال که آینده تحولات مکتب‌های اقتصاد کلان در کدام جهت خواهد بود و اینکه آیا این دو مکتب به یکدیگر نزدیکتر و یا از یکدیگر دورتر می‌شوند باید گفت همان‌طور که علامتهای سؤال در شکل (۱) نشان می‌دهند، نمی‌توان در این مورد به طور قطعی و دقیق اظهارنظر نمود. شاید نتایج تحقیقات تجربی بیشتر در آینده بتوانند ابهامات موجود در این زمینه را برطرف نمایند.



یادداشتها

۱. آشنایی با اصول اقتصاد کلان برای خوانندگان این مقاله توصیه می‌شود.

۲. لازم به توضیح است که کینز آنچه را که در علم اقتصاد به مکتب نئوکلاسیک معروف است و قبل از وی در زمینه اقتصاد کلان نظریاتی ارائه داده‌اند، مکتب کلاسیک نامیده است و این موضوع باعث ایجاد ابهاماتی شده است. باید اضافه نمود که در علم اقتصاد متفکرین مکتب کلاسیک از نظر تاریخی قبل از نئوکلاسیک‌ها بوده و اعضای معروف این مکتب را اقتصاددانانی مانند آدام اسمیت (Adam Smith)، دیوید ریکاردو (David Ricardo)، توماس مالتوس (Thomas Malthus)، جان استوارت میل (John Stuart Mill) تشکیل می‌دهند. در مقابل، مکتب نئوکلاسیک‌ها به انقلاب نهاییون (Marginalist Revolution) اواسط قرن نوزدهم ارتباط داشته و در این گروه اقتصاددانانی مانند استانلی جونز (Stanly Jevons)، آلفرد مارشال (Alfred Marshall)، آرتور پیگو (Arthur Pigou) و لئون والراس (Leon Walras) قرار دارند.

کینز از نظریه نئوکلاسیک‌ها در زمینه ارائه توابع مصرف، سرمایه‌گذاری و عرضه و تقاضا برای کار استفاده نموده است. او اقتصاددانان نئوکلاسیک را به خاطر اعتماد به عدم مداخله دولت در بازار مورد انتقاد قرار داد و نشان داد که اقتصاد نمی‌تواند به طور خودکار به تعادل در اشتغال کامل برسد.

3. Paul Samuelson

4. The Neoclassical Synthesis

برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Blanchard, O and S. Fischer, Lectures on Macroeconomics The MIT Press, 1989, PP. 26 - 27.

5. The New Classical.

6. The New Keynesian.

7. Keynes, J.M. The general Theory of Employment, Interest and Money, London: Macmillan, 1936.

۸. البته تفاوت‌های دیگری بین این دو مکتب نیز وجود دارد که مورد توجه مقاله حاضر نمی‌باشد. برای مطالعه در این زمینه به یکی از کتاب‌های اقتصاد کلان مراجعه شود.

۹. هاینز معتقد است که باید کینز متقاعد می‌گردید تا از نگارش کتاب نظریه عمومی منصرف شود. به اعتقاد وی کینز می‌توانست یادداشتی به مجله تایمز ارسال نموده و مشاهدات خود در زمینه این موضوع که در اقتصاد سرمایه - داری جدید مزدهای پولی در جهت کاهش انعطاف‌ناپذیر می‌باشند را عنوان می‌کرد. رجوع شود به:

Hines, A. G On The Reappraisal of Keynesian Economics, Martin Robertson & CO Ltd, 1970, P.7.

۱۰. البته انتقادهای دیگری نیز به نظریه کینزی‌ها وارد شده است. برای مثال، عدم توانایی آنها در توجیه مسأله تورم و بیکاری به طور همزمان که در اوایل دهه ۱۹۷۰ رخ داد یکی دیگر از انتقادهای مهم وارد شده بر نظریه کینزیها است.

11. The Phillips curve

۱۲. در نظریه کینز مزد پولی به عنوان یک متغیر داده شده تلقی شده بود. از آنجا که برای مطالعه رفتار الگوی نظریه عمومی کینز در طول زمان نیاز به یک نظریه مربوط به مزد پولی احساس شده بود، لذا منحنی فیلیپس توانست در این مورد نقش مؤثری ایفا نماید. رجوع شود به:

Phillips, A.W. "The Relationship Between Unemployment and the Rate of Change of Money Wage Rates in The U.K. 1861 - 1957, *Economica*, Vol 25, 1958, PP. 233 - 99.

۱۳. نکته مهم در مورد مکتب پولی این است که باید توجه نمود که واژه مکتب پولی یا پولیون در حقیقت یک واژه وسیع بوده و لزوماً به نظریات فریدمن به تنهایی تعلق ندارد. برای مثال ادmond فلیس (Edmund Phelps) نیز نظریات این مکتب را کامل نموده است ولی وی را نمی‌توان به عنوان طرفدار این مکتب تلقی نمود. در مقابل، می‌توان گفت که دیدگاههای وی با مکتب کینزی‌های جدید نزدیک‌تر است برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

Friedman, M. "The Role of Monetary Policy", *American Economic Review*, vol 58, 1968, PP. 1 - 17.

Phelps, E. Phillips Curves: Expectations of Inflation and Optimal Unemployment Over Time, *Econometrica*, vol 34, 1967, PP. 254 - 81.

۱۴. این نتیجه‌گیری با منحنی فیلیس کوتاه مدت (شیب منفی) و منحنی فیلیس بلند مدت (عمودی) سازگاری دارد. بنابراین، مکتب پولی به هیچ وجه به مفهوم خنثی بودن پول اعتقاد ندارد. همچنین باید اضافه نمود که منظور از بلند مدت در نظریه‌های مکتب پولی در حقیقت یک دوره چند ساله و حتی یک دهه می‌باشد.

15. Rational Expectations.

۱۶. رجوع شود به :

Sargent, T; and N. Wallace, "Rational Expectations, The Optimal Monetary Instrument, and the Optimal Money Rule, "Journal of Political Economy, vol 83, 1975, PP. 241 - 54.

۱۷. لذا نسبت دادن لقب مکتب انتظارات عقلایی به مکتب کلاسیک‌های جدید که در برخی از کتاب‌های اقتصاد کلان آمده است گمراه کننده می‌باشد.

۱۸. برای مثال، می‌توان ضربه‌های ناشی از طرف تقاضا را از قبیل تغییرات در ذوق و سلیقه و ضربه‌های طرف عرضه را شامل تغییرات در بهره‌وری دانست.

۱۹. برای توضیح بیشتر رجوع شود به :

Lucas, R "Expectations and the Neutrality of Money", Journal of Economic Theory, vol 4, 1972, PP. 103 - 24.

Lucas, R. "Some International Evidence on Output - Inflation Trade - Offs", American Economic Review, vol 63, 1973, PP. 326 - 34.

۲۰. لازم به توضیح است که انقلاب کلاسیک‌های جدید که توسط رابرت لوکاس (Robert Lucas) ایجاد شد با دو روش به حرکت خود ادامه داده است. در یک روش که به «الگوی اصلی لوکاس» معروف است فرض «اطلاعات ناقص» مورد توجه قرار گرفته است که این الگو بعداً به دلیل اینکه قادر به تشریح نوسانات تجاری نبود زیاد مورد تأکید قرار نگرفت. در مقابل، روش دوم کلاسیک‌های جدید که به «الگوی دور تجاری واقعی» معروف است فرض لوکاس مبنی بر تسویه بازار و انتظارات عقلایی را در نظر می‌گیرد ولی فرض اطلاعات ناقص را به عنوان منبع ادوار تجاری رد می‌کند و معتقد است که ضربه‌های فنی و تکنولوژی برون‌زا می‌توانند باعث ایجاد نوسانات در اقتصاد شوند. برای

توضیح بیشتر در این زمینه رجوع شود به :

Menil G. de; and Robert Gordon., "The New Macroeconomics a Decade Later, European Economic Review, vol 35, 1991, PP. 715 - 721.

۲۱. با وجود اینکه کینزی‌های جدید در واقع همان موضوعات مورد توجه کینزی‌های قدیمی را مطرح می‌نمایند ولی باید اضافه نمود که روش مورد بررسی آنها کاملاً با یکدیگر متفاوت است. برای مثال، کینزی‌های جدید وابستگی زیادی به چارچوب اقتصاد نئوکلاسیک نداشته و بر خلاف کینزی‌های اولیه به رفتار عقلایی توجه می‌نمایند. برای تشریح کامل دیدگاه مکتب کینزی‌های جدید رجوع شود به :

Rotemberg, J. "The New Keynesian Microfoundations " NBER Macroeconomics Annual 2, 1987, PP. 69 - 104.

۲۲. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع شود به :

Ball, L; N. Mankiw; and D. Romer, "The New Keynesian Economics and Output - Inflation Trade - Off", Brookings Papers on Economic Activity, vol, 1988 PP. 1 - 82.

۲۳. مهمترین انتقاد وارد شده بر وجود قراردادهای کار که براساس آن مزد اسمی با موافقت کارگران و تولیدکنندگان تعیین می‌شود این است که این نوع قراردادها از دیدگاه اصول اقتصاد خرد قابل توجیه نیستند. در این زمینه رجوع شود به :

Mankiw, N. "Recent Developments in Macroeconomics: A Very Quick Refresher Course, Journal of Money, Credit, and Banking, vol 20, 1988, P.445.

24. Efficiency Wage Theory.

برای توضیح بیشتر در مورد این نظریه رجوع شود به :

Stiglitz, J. "Theories of Wage Rigidities", Paper Presented a Conference on Keynes, Economic Legacy, University of Delaware, 1983, in Keynes, Economic Legacy, Preager Publishers, 1986.

Yellen, J. "Efficiency Wage Models of Unemployment, "American Economic Review, vol 74, 1984, PP. 200 - 205.

Katz, L. "Efficiency Wage Theories: A Partial Evaluation" NBER Macroeconomics, Annual 1, 1986, PP. 235 - 76.

۲۵. مزد کارآمد در حقیقت مزدی است که سود بنگاههای تولیدی را به حداکثر می‌رساند و میزان آن با توجه به شرایط اقتصادی تغییر می‌کند. بنابراین، براساس این نظریه با وجود آن که مرزها به صورت مطلق انعطاف‌ناپذیر نبوده ولی لزوماً به سطح تعادلی آن کاهش نمی‌یابد، دلیل این امر این است که هیچ نیرویی وجود ندارد تا بتواند تعادل بین عرضه و تقاضا در بازار کار را تضمین نماید.

۲۶. برای توضیح بیشتر رجوع کنید به :

Hanes, Christopher, "The Development of Nominal Wage Rigidity in the late 19th Century", The American Economic Review, vol 83, September 1993, PP. 732 - 156.

۲۷. لازم به توضیح است که از چندین دهه قبل اقتصاد خرد این موضوع را که قیمت‌های انعطاف‌ناپذیر با رقابت کامل ناسازگاری دارد تأیید نموده است.

۲۸. باید اضافه نمود که استدلال کینزی‌های جدید در زمینه تشریح بیکاری قوی‌تر از کلاسیک‌های جدید است. به عبارت دیگر، برای تشریح بیکاری فرض «تعادل در بازار» مورد نظر کلاسیک‌های جدید باعث شده است تا آنها را مجبور نماید از آنچه که باید تشریح نمایند (بیکاری) دور شوند و در نتیجه قادر به توجیه بیکاری نباشند.

۲۹. می‌توان گفت مکتب کلاسیک‌های جدید نظریات اقتصاددانان کلاسیک را قبول داشته و به نظریات آنها دو مفهوم ضربه‌های تصادفی و رفتار عقلایی را اضافه کرده‌اند.

۳۰. هر دو مکتب فرض می‌نمایند که واحدهای اقتصادی دارای توابع هدفی می‌باشند که در تصمیم‌گیری می‌خواهند آن را بهینه (حداکثر) نمایند.

31. Fischer, S. "Long - Term Contracts, Rational and the Optimal Money Supply Rule", Journal of Political Economy, vol 85, 1977, PP. 191 - 205.

۳۲. برای توضیح بیشتر رجوع کنید به :

Benassy, Jean - Pascal, "Nonclearing Markets" Microeconomic Concepts and Macroeconomic Applications" The Journal of Economic Literature, vol 31, June

199, PP. 732 - 762.

33. Patinkin, Don, "Money, Interest, and Prices, " N.Y. Harper & Row, 1956.

۳۴. برای چگونگی توجیه پایه‌های اقتصاد خرد فروض انعطاف‌ناپذیری دستمزدها و قیمت‌ها در اقتصاد کینزی‌های جدید رجوع کنید به :

Gordon, Robert; "What Is New - Keynesian Economics ? Journal of Economic Literature, vol 28, September 1990, PP. 1115 - 1171.

۳۵. لازم به توضیح است که کینزی‌های جدید به صورت قابل توجهی ایده‌انتظارات عقلایی را قبول کرده‌اند اما آنها به نقش بازارهای رقابت ناقص تأکید بیشتری دارند. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع شود به :

Stadler, George' "Real Business Cycles", Journal of Economic Literature, vol 32, December 1994, PP. 1750 - 1783.

۳۶. رجوع کنید به :

Gordon, Robert Ibid P. 1136.

37. Christopher Sims.

برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به :

Ball, L. Ibid, P. 75.

۳۸. البته لازم به توضیح است که با مطالعه دقیق دیدگاه‌های مکتب کینزهای جدید و کلاسیک‌های جدید باید گفت یک موضوع واحد و مشترک و یا یک الگوی واحد که مورد بحث کلیه افراد طرفدار هر یک از این دو مکتب باشد، مشاهده نمی‌شود. در مقابل، موضوعات و الگوهای بسیار متنوعی در هر یک از این دو مکتب مورد بررسی قرار گرفته است. برای توضیح بیشتر در این زمینه رجوع کنید به :

Leslie, Derek; Macroeconomics Beyond IS / LM, McGraw - Hill Book Co, 1993, Ch 8.

۳۹. برای بررسی برخی از ابهامات موجود در این زمینه رجوع کنید به :

Leijonhufvud, Axel. "Keynesian Economics: Past Confusions, Future Prospects", In Macroeconomics Edited by Vercelli, Alessandro; and Nicola Dimitri, Oxford

University Press, 1992.

۴۰. برای مثال در زمینه چگونگی حرکت مردهای واقعی و ادوار تجاری، در یک تحقیق تجربی که اخیراً صورت گرفته است نشان داده شده است که الگوهای کینزی‌های جدید با فرض رقابت ناقص قادرند مردهای واقعی در جهت حرکت ادوار تجاری به وجود آورند در حالیکه در الگوهای تعادل کلاسیک‌های جدید با فرض بازارهای رقابتی، مردهای واقعی در جهت معکوس ادوار تجاری حرکت می‌کنند. برای تویح بیشتر رجوع شود به :

Abraham, Katharine; and John C. Haltiwanger, "Real Wages and the Business Cycle", *Journal of Economic Literature*, vol 33, September 1995, PP. 1215 - 1264.

همچنین در بررسی تجربی نظریه «دور تجاری واقعی» که براساس آن ادوار تجاری از ضربه‌های واقعی در اقتصاد با فرض بازار رقابت کامل به وجود می‌آید و مورد حمایت مکتب کلاسیک‌های جدید می‌باشد، مشاهده شده است که از لحاظ تجربی فروض مورد نظر آنها در بازار کار، بازار دارایی‌ها و تجارت بین‌الملل نتوانسته است مورد تأیید قرار گیرد. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به :

Stadler, *Ibid*, P. 1778.

منابع

1. Abraham, Katharine; and John C.Haltiwanger, "Real Wages And The Business Cycle", The Journal of Economic Literature, Vol 33, September 1995, PP. 1215 - 1264.
2. Ball, L; N.G. Mankiw; and D.Romer, "The New Keynesian Economics And Output - Inflation Trade - Off", Brookings Papers On Economic Activity, Vol 1, 1988, PP. 1 - 82.
3. Blanchard, O; and S.Fischer, Lectures On Macroeconomics, The MIT Press, 1989.
4. Benassy, Jean - Pascal, "Nonclearing Markets: Microeconomic Concepts And Macroeconomic Applications". The Journal of Economic Literature, Vol 31, June 1993, PP. 732 - 762.
5. Fischer, S., "Long - Term Contracts, Rational Expectations, and The Optimal Money Supply Rule", Journal of Political Economy, Vol 85, 1977, PP. 191 - 205.
6. Friedman, Milton., "The Role of Monetary Policy", American Economic Review, Vol 58, 1968, PP. 1 - 17.
7. Gordon, Robert., "What Is New - Keynesian Economics?", Journal of Economic Literature, Vol 28, September 1990, PP. 1115 - 1171.
8. Hanes, Christopher., "The Development of Nominal Wage Rigidity IN The Late 19th Century", The American Economic Review, Vol 83, September 1993, PP. 732 - 756.
9. Hines, A.G. "On The Reappraisal Of Keynesian Economics", Martin & co Ltd 1970.

10. Katz, L., "Efficiency Wage Theories": A Partial Evaluation, NBER Macroeconomics Annual, 1986, PP. 235 - 76.
11. Keynes, J.M., "The General Theory of Employment, Interest, and Money," London: Macmillan, 1936.
12. Leijonhufvud, Axel., "Keynesian Economics: Past Confusions, Future prospects", In Macroeconomics, edited by Vercelli, Alessandro and Nicola Dimitri, Oxford University Press, 1992.
13. Leslie, Derek., Macroeconomics Beyond IS / LM, McGraw - Hill Book co, 1993.
14. Lucas, Robert.E., "Expectations And The Neutrality of Money", Journal of Economic Theory, Vol 4, 1972. PP. 103 - 23.
15. -----, "Some International Evidence On Output Inflation Trade Offs", American Economic Review, Vol 63, 1973, PP. 326 - 34.
16. Mankiw, N.G., "Recent Developments in Macroeconomics: A very Quick Refresher Course", Journal of Money, credit, and Banking, Vol 20, 1988, pp. 69 - 104.
17. Menil G.de; and Robert Gordon., "The New Macroeconomics A Decade Later", European Economic Review, Vol 35, 1991 , PP. 715 - 721.
18. Patinkin, Don. Money, Interest, and Prices, New York, Harper & Row, 1956.
19. Phelps,E., "Phillips Curves: Expectations of Inflation And Optimal Unemployment Over Time", Econometrica, Vol 34, 1967, PP. 254 - 81.
20. Phillips, A.W., "The Relationship Between Unemployment And The Rate of Change of Money Wage Rates In The U.K. 1861 - 1957, Economica, Vol 25, 1958, PP. 283 - 99.
21. Rotemberg, J., The New Keynesian Microfoundations, NBER

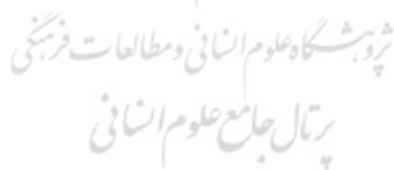
Macroeconomics Annual 2, 1987, PP. 69 - 104.

22. Sargent, T ; and N.Wallace, "Rational Expectations, The Optimal Monetary Instrument, and The Optimal Money Rule", Journal of Political Economy, Vol 83, 1975, PP. 241 - 54.

23. Stadler, George., "Real Business Cycles", Journal of Economic Literature, Vol 32, December 1994, PP. 1750 - 1783.

24. Stiglitz, J.E., "Theories of Wage Rigidities", Paper presented at a conference on Keynes' Economic Legacy, University of Delaware, December 1983 , In Keynes' Economic Legacy, Preager Publishers, 1986.

25. Yellen, J., "Efficiency Wage Models of Unemployment, American Economic Review, Vol 74, 1984, PP. 200 - 205.





شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني